

تطابق علمی نظریه عدالت اقتصادی اسلام با

نظریه رشد، بهره‌وری و کارآیی

عبدالمجید شیخی^۱

مقدمه

یکی از مقوله‌های بحث برانگیز و مهم دهه‌های اخیر در ادبیات اقتصاد مسئله رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد است. در طول دهه‌های گذشته بالندگی دانش اقتصادی و ظهور مکاتب متعدد اقتصادی حتی تا اوایل دهه ۱۹۹۰ اکثر اقتصاد دانان بر این اعتقاد بودند که نابرابری درآمد و ثروت رابطه مستقیمی با رشد اقتصادی دارد و محرک سرمایه‌گذاری و رشد است. همین طور دیدگاه مشابهی وجود داشته که کارآیی بیشتر ملازم و متناظر با نابرابری بیشتر بین آحاد اقتصادی و عوامل بازار است. در ادبیات اقتصادی سرمنشاء و ریشه این نظریات به اندیشمندان دهه ۱۹۵۰ چون کوزنتس و کالدور نسبت داده می‌شوند.^۲

اخیراً برخی از اندیشمندان اقتصاد با بازنگری در نظریات پیشین قائل به اهمیت و تأثیر مثبت برابری بر رشد اقتصادی شده‌اند و از اوایل دهه ۱۹۹۰ به تبیین نظریه ارتباط مثبت بین توزیع درآمد و رشد اقتصادی در قالب مدل‌های کلان بر پایه اقتصاد خرد پرداخته‌اند. با این حال هنوز در بین اندیشمندان افرادی هستند که به این باور نرسیده‌اند و حتی بسیاری از آنان جرأت طرح مدعای خود را ندارند. نظریه ناسازگاری توزیع درآمد با رشد اقتصادی در واقع یک ادعای متزلزل و فاقد وجهت‌ارزشی و علمی و برخاسته از جهان‌بینی اقتصاد سرمایه‌داری بوده‌است. همین

۱- عضو هیئت علمی سازمان تحقیقات و آموزش وزارت جهاد کشاورزی

۲- نیلی (۱۳۷۸) صفحه ۳

چرخش کامل رویکرد نظریه‌ها نشان از سستی نظریات پیشین است، به خصوص که این چرخش بر مبنای مدل‌سازی کلان با مبانی اقتصاد خرد است. زیرا در ادبیات اقتصادی اخیر رویکرد تمام‌عیاری به مدل‌سازی اقتصادی بر مبنای اقتصاد خرد صورت گرفته و تقریباً در محافل علمی برای مدل‌هایی که فاقد مبانی اقتصاد خرد باشند، اعتباری قائل نمی‌شوند. دو عامل مهم در ترویج افکار ضد برابری، توزیع و عدالت سهیم بوده‌اند. یکی فقدان تجربه عملی در دنیا و در تاریخ گذشته بوده که این خود ناشی از حاکمیت حکومت‌های غیرالهی و ضد عدالت بوده است و اگر هم تجاری مثل حکومت ۴/۵ ساله امیرالمومنین امام علی علیه‌السلام وجود داشته با دخالت حکام فاسد اجازه بروز پیدا نکرده است. عامل دیگر ضعف پایگاه فکری بسیاری از اندیشمندان در برخورد معقول با مبانی فلسفی و علمی ارزش و دانش اقتصادی است. حاکمیت افکار سکولاریستی در طی قرون متمادی ناخودآگاه ثنویت‌گرایی را در تار و پود زندگی و حیات فکری و اجتماعی رسوخ داده است. این ثنویت‌گرایی در افکار روشنفکران اقتصادی بگونه‌ای نفوذ و بروز پیدا کرده که گویی دانش متضاد با مسیر ارزش است و اینان زابیده دو خالق‌اند. من حیث المجموع این دو عامل اثر خود را تماماً بر افکار و اندیشه‌پردازی گذاشته‌اند، بگونه‌ای که بسیاری با مبانی غلط اعتقادی فراتر از اعتقاد به جدایی دین و سیاست، جدایی دانش و ارزش را درس حیات فکری خود نموده و با این پیش‌داوری به نظریه‌پردازی پرداخته‌اند و علیرغم وجود ارتباط حقیقی و عینی، عاجز از برقراری و تجسم وحدت بین این دو معقول و ارتباط بین آن‌ها در ذهن خود شده‌اند.

مفاهیم و تعاریف

رشد اقتصادی (Economic growth) به معنی افزایش تولید ناخالص ملی یا افزایش درآمد سرانه ملی یک کشور است.^۱ همچنین به معنی توسعه و گسترش امکانات و ظرفیت‌های اقتصادی در یک افق زمانی است.

توزیع درآمد به معنی نحوه توزیع این امکانات بین آحاد اقتصادی است.^۲

کارایی اقتصادی به شرایطی گویند که در یک اقتصاد این امکان وجود ندارد که موقعیت یک نفر را بدون بدتر کردن شرایط فرد دیگر بهبود بخشید. سه نوع کارایی وجود دارد: کارایی تولید (Productive efficiency) که براساس آن در اقتصاد تولید محصول با کمترین هزینه تولید و بیشترین کارایی همراه است. در کارایی تخصیصی (Allocative efficiency) منابع تولید موجود در جامعه، به بهترین شکل بین واحدهای مختلف تولیدکننده کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه تقسیم شده‌اند. طبق کارایی توزیع (Distributive efficiency) محصولات تولیدی، در اقتصاد به نحوی توزیع شده‌اند که مصرف‌کننده با توجه به درآمد قابل تصرف و قیمت‌های بازار، تمایلی به هزینه کردن درآمدهای خود در راه‌های غیر معقول نشان نمی‌دهد و تنها کالاهای موجود را تقاضا خواهد کرد.

بهره‌وری (Productivity) نیز به رابطه بین تولید کالاها و خدمات با عوامل تولید مورد استفاده در تولید آن کالاها و خدمات اشعار دارد. معمولاً بهره‌وری هر عامل تولید برابر است با نسبت تغییر در عامل تولید به تغییر در تولید با استفاده از شاخص عددی.^۱

۱- قره باغیان (۱۳۷۶)، صفحه ۲۲۱

۲- نیلی (۱۳۷۸)، صفحه ۴

عدالت اقتصادی: عدالت اقتصادی یکی از مصادیق عدالت حقوقی است. با این حال در این جا مجالی برای تشریح این موضوع وجود ندارد. اتکای این مقاله بر مفهوم اصیل برگرفته از سخن ائمه اطهار علیهم السلام است آن جایی که امیرالمومنین امام علی علیه السلام عدالت را " یضع الامور مواضعها" می داندند و حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند: " ان الناس يستغنون اذا عدل بینهم"^۲ اگر در میان مردمان به عدالت رفتار شود، همه بی نیاز می گردند. همین طور حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرموده اند:

«ان الله لم یترك شیئاً من صنوف الاموال الا و قد قسمه و اعطى كل ذی حق حقه الخاصه و العامه و الفقراء و المساکین و كل صنف من صنوف الناس لو عدل فی الناس لاستغنوا»^۳

« خداوند هیچ گونه مالی را رها نگذاشته، بلکه آن را قسمت کرده است و حق هر صاحب حقی را (در تعیین الهی و تشریح اسلامی) به او داده است. خواص و عوام و فقیران و پیشوایان و همه قشرهای مردمان اگر در میان مردم به عدالت رفتار می شد همه بی نیاز می شدند (و فقیری و مسکینی و نیازمندی باقی نمی ماند).

استاد شهید مطهری در کتاب عدل الهی خود^۳ مفهوم برای عدل استدلال کرده است. اول موزون بودن و تناسب. دوم تساوی و نفی هرگونه تبعیض و سوم رعایت حقوق افراد و اعطا کردن به هر صاحب حق حق او را که در مقابل آن ظلم «یعنی پامال کردن حقوق و تجاوز و تصرف در حقوق دیگران» قرار دارد. منظور این مقاله از عدالت اقتصادی " ایجاد فرصت های اقتصادی متناسب و برابر برای تمام افراد و اعطای حقوق اقتصادی آحاد مردم به آن ها و عدم تبعیض بین

۱- قره باغیان (۱۳۷۶)، صفحه ۶۴۴

۲- اصول کافی، جلد ۳ صفحه ۱۵۶۸

۳- همان مأخذ جلد صفحه ۱۵۴۲

آن ها است. طبق فرمایش ائمه اطهار این مفهوم عدالت اقتصادی گذاشتن و ادای حق هر ذی‌حقی در موضع و جایگاه حقیقی و طبیعی خودش باشد. برای کلیه آحاد هم فضای دسترسی به ظرفیت مناسب فراهم شود و هم شرایط یکسان و متناسبی برای اخذ و دستیابی به مظهر متناسب با آن ظرفیتی که متناسب نیاز و استعداد خود برداشته‌اند، فراهم شود. در این تعریف حق تأمین حداقل معیشت جزء ثابت اعطا است و اندازه ظرفیت و مظهر نقشی در این حق طبیعی که مورد تأکید ائمه اطهار و قرآن کریم است، نخواهد داشت. اگر چنین مفهومی در جامعه اسلامی پیاده شود، طبق فرمایش ائمه اطهار اثری از فقر و مسکنت باقی نخواهد ماند. همین طور در سایر ابعاد عدالت شامل عدالت قضایی، اجتماعی، سیاسی و غیره نیز این مفهوم شمولیت خواهد داشت.

مدل رشد

در ادبیات علم اقتصاد مدل‌های رشد زیادی عرضه شده است از جمله مدل رشد هاربرگر، مدل هارود-دمار مدل، سولو و سوان و غیره. این مدل‌ها در گزینه‌ها و فروض متفاوتی عرضه شده‌اند. یکی از مدل‌های شاخص مدل رشد سولو و سوان با نرخ پس‌انداز برون‌زا^۱ است. تابع تولید این مدل با فرض وجود پیشرفت‌های تکنولوژی و بدون این فرض به شکل ذیل است:

$$Y = F(K, L, t) \quad (۱)$$

$$Y = F(K, L) \quad (۲)$$

۱- Growth Model With Exogenous Saving rates (The Solow-Swan Model)

در این تابع Y تولید، K نهاده سرمایه، L نهاده نیروی کار و t فن آوری تعریف می شود. در این مدل افزایش خالص در موجودی سرمایه فیزیکی در یک مقطع زمانی برابر با سرمایه گذاری ناخالص منهای استهلاک سرمایه و نرخ رشد جمعیت در سرمایه است. به عبارت دیگر معادله دیفرانسیل اساسی مدل سولو-سوان، معادله ای غیر خطی و بستگی به K دارد^۱.

$$\dot{K} = S \cdot f(k) - (n + \delta) \cdot k \quad (۳)$$

بر حسب ترمهای سرانه معادل اساسی فوق الذکر به شکل ذیل تعریف می شود.

$$\dot{\gamma}_k = s \cdot f(K) / k - (x + n + \delta) \quad (۴) \quad (\text{با فرض پیشرفت تکنولوژی})$$

$$\dot{\gamma}_k \hat{k} / k = s \cdot f(k) / k - (n + \delta) \quad (۵)$$

=

به عبارت دیگر نرخ رشد سرمایه معادل ضریب پس انداز در ستانده سرانه منهای نرخ رشد جمعیت و استهلاک است.

طبق تعریف مشتق نسبت به k منفی است

$$\partial \dot{\gamma}_k / \partial k = S \cdot [F'(k) - f(k)/k] / k < 0 \quad (۶)$$

یعنی با افزایش k مقدار $\dot{\gamma}_k$ یعنی نرخ رشد اقتصاد کاهش می یابد و بالعکس. با وجود ارزشهای کمتر k مقدار $\dot{\gamma}_k$ یا نرخ رشد اقتصاد افزایش می یابد. در این معادله s مقدار پس انداز برون زا در اقتصاد است. در این الگو موقعیت پایدار (The steady state) موقعیتی است که مقادیر مختلف در نرخ های ثابت رشد می کنند و برابر با $\dot{k} = 0$ است. لذا:

۱- در این جا برای رعایت حداکثر اختصار بناچار از شرح جزئیات مدل احتراز می شود. خوانندگان محترم می توانند جهت آگاهی کامل از جزئیات مدل به فصل اول مأخذ ذیل مراجعه فرمایند. Barro, Robert, J. (۱۹۹۵)

$$k = 0: s \cdot f(k^*) = (n + \delta) \cdot k^* \quad (6)$$

در این وضعیت k و y و c (مصرف $f(k^*) \cdot (1-s)$) ثابت هستند. و لذا مقادیر k و y و c (ترمه‌های سرانه) نیز رشدی ندارند. به عبارت دیگر مقادیر کل k و y و c فقط به اندازه نرخ رشد جمعیت (γ) رشد می نمایند. در نمودار شماره ۱، γ_k ، اختلاف بین $f(k)/k$ و $(n + \delta)$ است که در مقابل k نشان داده شده اند.

$$\gamma_{\text{Poor}} > \gamma_{\text{rich}} \quad (7)$$

هم چنان که در نمودار فوق مشاهده می شود γ_k (نرخ رشد) صراحتاً برای اقتصادهایی که ارزش موجودی اولیه سرمایه آن ها پائین است ($K(\cdot)$ poor) بیشتر از اقتصادهایی است که دارای ارزش موجودی اولیه سرمایه بیشتری هستند. پرو (Barro) از این حالت به عنوان همگرایی کامل یاد کرده است. به عبارت دیگر نواحی یا کشورهایی که نسبت سرمایه به نیروی کار کمتری دارند از نرخ رشد سرانه بالاتری برخوردار هستند (و بالعکس). در این نوع همگرایی هیچ شرطی لحاظ نشده است. تجربه ۱۱۸ کشور از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۵ نیز این نتیجه را عاید نموده است. اما با انتخاب یک گروه همگن تر و با شرط عدم وجود پارامترهای یکسان در اقتصاد (مثل وجود نرخ پس انداز بیشتر در کشورهای پیشرفته نسبت به نرخ پس انداز کمتر در کشورهای در حال توسعه) ثابت نموده که اقتصادهای ثروتمندتر (با موجودی اولیه سرمایه سرانه بالاتر) دارای نرخ رشد بالاتری نسبت به کشورهای فقیرتر هستند.

$$\gamma_{\text{Poor}} < \gamma_{\text{rich}} \quad (8)$$

به طور کلی این مدل نئوکلاسیک پیش‌بینی می‌کند که هر اقتصادی به وضعیت پایدار خودش همگرایی دارد. سرعت این همگرایی رابطه معکوسی با فاصله‌اش از وضعیت پایدار دارد. لذا با وجود یک ارزش موجودی سرمایه سرانه کمتر نرخ رشد سرانه بالاتری را تجربه خواهد نمود.

اتفاقاً این نتیجه‌گیری سولو و سوان با اصل بازدهی نزولی و بهره‌وری کاهنده و نزولی بودن مطلوبیت نهایی مطابقت دارد. چیزی که می‌توان به صراحت ادعا کرد که مورد غفلت نویسندگان واقع شده است. روشن بودن و صحت این ادعا را می‌توان در مبانی شفاف «اقتصاد پایه و خرد بودن» این الگو دانست در این جا ابتدا به تعریف این دو مفهوم پرداخته می‌شود.

قانون بازدهی نزولی: «ریکاردو» عقیده داشت که اگر بخواهیم با افزایش آهنگ کشت، محصولات کشاورزی بیشتری تولید کنیم، الزاماً باید به تدریج به زمین‌های کم‌حاصل‌خیزتری متوسل شویم و در نتیجه نزولی بودن بازدهی زمین‌های جدید با آخرین قسمت زمین‌ها یا به طور کلی نزولی بودن بازدهی نهایی عامل زمین را به عنوان یک قانون کلی بپذیریم. «استوارت میل» با ادعای این که افزایش تولید کشاورزی مستلزم افزایش مقدار کار مورد لزوم به نسبت بیشتری است، اصل بازدهی نزولی را به عامل کار تعمیم داد.^۱

قانون نزولی بودن مطلوبیت نهایی: طبق این اصل هر قدر مقدار موجود کالایی محدودتر و بنابراین کالا کمیاب‌تر باشد، مطلوبیت آن بیشتر و برعکس هر قدر مقدار موجود کالایی محدودتر و بنابراین کالا کمیاب‌تر باشد، مطلوبیت آن بیشتر خواهد بود. به طور کلی مطلوبیت نهایی کالاها

همیشه نزولی و آخرین قسمت آن صفر می‌باشد. مطلوبیت کل همواره صعودی است زیرا حاصل جمع مطلوبیت‌های جزء و نهایی است.^۱

شاخص بهره‌وری: قانون بازدهی نزولی نیز در رفتار شاخص بهره‌وری که عبارت از نسبت ستانده به مقدار یک یا چند عامل نهاده است، نهفته است. زیرا رفتار شاخص نشان می‌دهد افزایش بی‌رویه یک نهاده بازدهی نهایی را کاهش و در مجموع بازدهی کل یا ستانده پائین‌تر از سطح معینی از ستانده خواهد بود در حالتی که مقدار نهاده در حد معقولی استفاده شود. این رفتار در اقتصاد ایران توسط پیکار جو مورد تایید قرار گرفته است.^۲

آثار فقدان عدالت اقتصادی

نقطه مقابل عدالت اقتصادی نابرابری اعطای فرصت‌های اقتصادی در ابعاد ظرف و مظروف به آحاد مردم است. و طبق فرمایش امیرالمؤمنین پدیده‌ها در جایگاه حقیقی خود قرار نمی‌گیرند. نتیجه نابرابری در توزیع امکانات و برخورداری از مواهب در ابعاد ظرف و مظروف، تجمع ثروت و امکانات در دست عده‌ای و برخورداری آن‌ها در مقابل محرومیت بخش دیگری از اقشار اجتماعی است. و به قول امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام): «ما جاع فقیر الا بما متع به غنی» هیچ گرسنه‌ای گرسنه نشد مگر به قیمت برخورداری و سیری دیگری. این نحوه برخورداری نابرابر در لسان و ادبیات اقتصاد اثباتی (Positive) نیز خبر از وجود وضعیت نابینه می‌دهد که دقیقاً با رهیافت دستوری (Normative) و دستور مکتب اقتصادی اسلام انطباق دارد. حقیقتی که دین مبین

۱- همان مأخذ صفحه ۱۴۰

۲- پیکار جو، کامبیز، صفحه ۱۵

اسلام در ۱۴۰۰ سال پیش بیان کرده و در تاریخ ثبت است و امروزه علیرغم اعتراف محققین به آن (هر چند به صورت ناقص) هنوز به باور درنیامده است. هنوز برخی به این مقولات عدالت به دیده تردید، برخی به دیده انکار و برخی نیز با ناپاوری می‌نگرند.

عدالت، رشد و نظریه مطلوبیت

در مقوله رفتار مصرف‌کننده در اقتصاد خرد، نظریه مطلوبیت رهیافت مستدلی از رفتار مصرف‌کننده است. در این جا با یک مدل دو متغیره به بررسی اجمالی رابطه رشد رفاه و درآمد و فراغت می‌پردازیم. اگر رضایت خاطر مصرف‌کننده بستگی به دو عنصر درآمد و فراغت (ساعات بیکاری) باشد، لذا:

$$U=g(L, y) \quad (9)$$

مطلوبیت تابعی از فراغت و درآمد خواهد بود.

زمان فراغت حاصل تفاضل مقدار کار (W) از T زمان در دسترس است.

$$L=T-W \quad (10)$$

و درآمد نیز با ساده‌سازی حاصل ضرب نرخ دستمزد در ساعات کار است

$$y=r.w \quad (11)$$

$$U=g(T-w, rw) \quad (12) \quad \text{با بیان دیگر}$$

مطلوبیت نهایی درآمد حاصل افزایش آخرین مقدار مطلوبیت در ازای افزایش در یکی از دو

عنصر خواهد بود. حال اگر درآمد به میزان Δy افزایش یابد مطلوبیت به میزان

$$MU_y \times \Delta y \quad (13) \quad \text{(کل بازدهی درآمد):}$$

افزایش خواهد یافت و همین طور اگر فراغت به میزان ΔL افزایش یابد مطلوبیت به میزان

$$(۱۴) \quad MU_L \times \Delta L \quad \text{(کل بازدهی فراغت):}$$

افزایش خواهد یافت.

بنابراین افزایش کل مطلوبیت مجموع حاصل ضرب تولید نهایی دو عامل در میزان تغییرات آن ها خواهد بود. اگر معادله را به صورت نرخ رشد درآوریم و از این منظر به مسئله افزایش رفاه و رضایتمندی نگاه کنیم، خواهیم داشت:

$$(۱۵) \quad \Delta U/U = (MU_y \cdot y/U) \cdot \Delta y/y + (MU_l \cdot l/U) \cdot \Delta L/l$$

به عبارت دیگر نرخ رشد مطلوبیت اقتصادی حاصل جمع نرخ افزایش مطلوبیت دو مقوله و عنصر درآمد و فراغت است. طبق نظریه مطلوبیت هدف غایی فعالیت‌های اقتصادی بشر کسب مطلوبیت و رضایتمندی از مصرف کالاها و خدمات مختلف است. طبق نظریه مطلوبیت در کلیه سطوح برخورداری همیشه مطلوبیت نهایی حاصل از مصرف کالا و خدمات نزولی است. به بیان رقومی مطلوبیت نهایی برخورداری یا مصرف سومین قلم از کالای الف از دومین قلم از آن کمتر و دومین نیز از اولین قلم از کالای فوق الذکر کمتر خواهد بود. بنابراین با انگاره یک سطح معینی از مقایسه و با فرض یکسان بودن سایر شرایط مطلوبیت نهایی شخص برخوردارتر از شخص محروم تر کمتر است.

عدالت، رشد و سرمایه‌گذاری

دقیقاً همین نتیجه‌گیری از مبحث نظریه رشد سولو-سوان استنباط گردید. اقتصادی که دارای ارزش موجودی سرمایه سرانه کمتر باشد دارای نرخ رشد بالاتری نسبت به اقتصادی با ارزش

موجودی سرمایه سرانه بالاتر است. بنابراین اگر سرمایه ها به تساوی و تناسب بین اقتصادها تقسیم شده باشد مجموع رشد تک تک اقتصادها و مجموع کل رشد اقتصاد جهانی حداکثر خواهد شد. در مبحث بعدی در قالب یک مثال دیگر در فضای اقتصاد رفاه این قاعده تشریح می شود.

عدالت، رشد و نظریه رفاه

در مبحث رفاه در اقتصاد خرد در وضعیتی که نتوان وضعیت یک نفر را بدون بدتر کردن وضعیت دیگری بهبود بخشید، بهینه پارتو گفته می شود. در این وضعیت اقتصاد در وضعیت کارآیی کامل قرار دارد و امکان بهبود شرایط وجود نخواهد داشت. طبق نتیجه گیری نظریه رشد مطلوبیت (در بالا)، در اقتصادی که نابرابری در برخورداری اعم از برخورداری در فرصت ها و امکانات و یا ظرف و مظروف وجود دارد، قطعاً بهینه پارتو اتفاق نمی افتد. زیرا بیشترین امکانات در اختیارات یک گروه و کمترین امکانات در اختیار گروه دیگر قرار دارد. در معادله (۱۵) مطلوبیت نهایی گروه برخوردار در حداقل ممکن است و برعکس مطلوبیت نهایی گروه غیر برخوردار در حداکثر ممکن قرار دارد. حال اگر بر فرض یک مثال ساده مطلوبیت نهایی برخوردار $0/1$ و مطلوبیت نهایی محرومین $0/9$ برآورد گردد و منابع اقتصادی (اعم از دارایی، ثروت، سرمایه، فن آوری و نیروی انسانی و ...) با سهم 90 و 10 بین این دو گروه تقسیم شود، جمع کل رشد مطلوبیت حاصله برابر با 18 خواهد بود. حال متقابلاً اگر در حالت دوم در جامعه برابری حاکم شود، طبق اصل بهینه پارتو شیب منحنی های بی تفاوتی دو گروه برابر خواهند بود و بنابراین مطلوبیت نهایی دو گروه مثلاً برابر با $0/5$ می شود. و این تنها در حالتی بوجود می آید که قبلاً 100 واحد منابع در قالب فرصت ها و امکانات (ظرف و مظروف) به طور برابر و متناسب توزیع شده

باشد. لذا در چنین حالتی حاصل جمع کل رشد مطلوبیت برابر با ۵۰ واحد و به حداکثر خود خواهد رسید. به عبارت دیگر این نقطه بهینه یعنی برابری مطلوبیت‌های نهایی موخر بر توزیع امکانات و فرصت‌ها است. و تنها در صورتی به وجود می‌آید که قبلاً در امر توزیع برابری رعایت گردیده و به اصطلاح عدالت برقرار شده باشد. در این صورت رفاه کل جامعه به حداکثر خود خواهد رسید. و بر عکس بدون وجود عدالت رفاه جامعه در سطحی حداقل، نا بهینه و زیر نقطه اپتیمم خواهد بود.

$$\text{Max} : \Sigma(\Delta U/U) \rightarrow \Sigma(MU_{y,y}/U)_{\text{poor}} = \Sigma(MU_{y,y}/U)_{\text{rich}}$$

$$\rightarrow \Sigma(MU_{l,l}/U)_{\text{poor}} = \Sigma(MU_{l,l}/U)_{\text{rich}}$$

این تحلیل در فضای منحنی تولید با دو و چند عامل نهاده (مانند سرمایه و کار) نیز قابل استفاده و کاربرد است. با تسری این نتیجه‌گیری در مبحث سرمایه‌گذاری و مدل رشد سولو و سوان دقیقاً این نتیجه‌گیری نیز عاید خواهد شد، "که حداکثر بهره‌وری و کارایی در جهان کنونی با برابری برخورداری عاید خواهد شد."

عدالت، کارایی و بهره‌وری

با توجه بیشتر به مباحث فوق‌الذکر می‌توان به یک قانونمندی و قاعده مثبت پی‌برد: در هر پروسه‌ای از اقتصاد که منجر به خلق یک کالا، خدمت، لذت، رضایتمندی و یا به عبارت کلی منجر به خلق چیزی (Entity) شود، این قاعده کاملاً برملا و مبرهن است که برخورداری بیشتر از عوامل در این پروسه منجر به بازده نزولی، کاهش کارایی و بهره‌وری استفاده از این عامل می‌شود. زیرا ترم‌های نهایی (مانند مطلوبیت و تولید نهایی نهاده‌ها و...) نزولی بوده و چون

ترم های کل حاصل جمع ترم های نهایی هستند بنابراین مجموع رفاه یا تولید (و یا هر متغیر وابسته دیگر) که حاصل جمع ضرب دو عبارت نهایی و سهم برخورداری ناعادلانه دو گروه برخوردار و محروم جامعه اند به حداکثر نخواهد رسید و اقتصاد جامعه در سطح نابهینه به حیات خود ادامه خواهد داد. حاصل بررسی مقوله های مدل رشد، رفاه، مطلوبیت، قانون بازدهی نزولی و غیره ما را به این قاعده مشترک رهنمون می سازد که براساس مبانی اقتصادی خرد، نابرابری در توزیع امکانات (اعم از عوامل تولید و کالاهای مصرفی) را از شرایط بهینه دور می سازد.

جمع بندی و نتیجه گیری

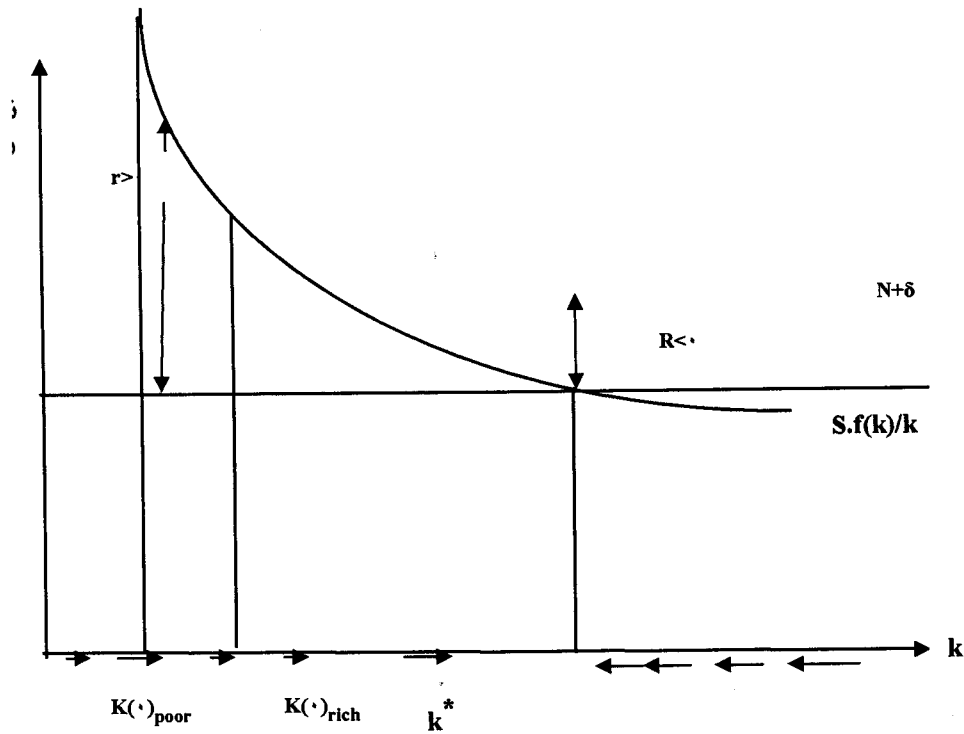
عدالت اقتصادی و عدالت به مفهوم عام آن مفهوم و مقوله ای معقول است. در فقه اسلامی هر چیزی که معقول باشد مشروع است. بنابر این عدالت اقتصادی مشروع است. همین طور در ادبیات اقتصاد نیز مفاهیم و مقولاتی چون کارآیی، بهره‌وری و رشد نیز وجود دارند که معقول اند، بنابراین این ها نیز مشروع هستند. از آثار بی عدالتی و فقدان برابری در برخورداری از امکانات و فرصت‌ها به سادگی به ضرورت وجودی و وجوبی آن می توان پی برد. تا یک دهه پیش این ضرورت وجوبی و وجودی ناشناخته و بی معنی بود. دین مبین اسلام بیش از ۱۴ قرن پیش این حقیقت را گوشزد کرده است. ولی متأسفانه دین باوران اندک بوده‌اند. با بررسی ادبیات پایه اقتصاد خرد و اقتصاد کلان (بر پایه خرد) براحتی می توان به پارادوکس موجود در نظریات اندیشمندان معاصر پی برد بعضی از اینان نقیض نظرات غافلانه خود را درباره عدالت، در دل نظرات و اندیشه های خود پرورده‌اند و خود غافل بوده‌اند. و یا بعضاً در این نظریه پردازی به موضوع عدالت اقتصادی اهمیتی نداده‌اند. با این وجود در نظریات اخیر موضوع ضرورت عدالت اقتصادی قابل استنتاج است. اصولاً

نظریه رشد، بهره‌وری، کارآیی مطلوبیت و رفاه بهینه بدون تحقق عدالت بی‌معنی است. در آیات بسیاری از قرآن کریم به عدل و قسط تاکید فراوان شده است و حتی آن را بالاتر از احسان معرفی کرده است. به همین دلیل است که امیرالمومنین علی علیه‌السلام فرموده‌اند که «پس از میان عدالت وجود (بخشش) آن که اشرف و افضل است عدالت است.»

قرآن کریم به نا بهینه بودن وضعیت اقتصادی یک جامعه به عنوان یک اصل اساسی توجه نموده است. چنان که در آیات ۲۷ شوری، ۶ علق و ۸۳ اسراء بر خورداری بیش از حد انسان را موجب بغی، طغیان و روی برگرداندن از حق می‌داند. خوشبختانه قانون اساسی ایران نیز در اصول ۲، ۳، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۸، ۴۹ قسط و عدل را مطرح و خط مشی نظام جمهوری اسلامی را برای تحقق آن‌ها تعیین نموده است. هر چند عملکرد اقتصادی دولت در دو دهه اخیر این واقعیت تلخ را به طور نسبی نشان می‌دهد که سیاست‌های توسعه و گسترش بخش‌های اقتصادی در سال‌های گذشته تا حدودی نابرابری در توزیع درآمدها را در پی داشته است.^۱

بنابراین با توجه به مبانی علمی و ارزشی ضرورت برقراری عدالت اقتصادی (درکنار سایر ابعاد عدالت)، جا دارد که در سیاست‌های اقتصادی دولت تجدید نظر اساسی شود.

نمودار شماره ۱



منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- بانویی، علی اصغر، (۱۳۸۴)، ((بررسی رابطه بین توزیع در آمد و افزایش تولید در اقتصاد ایران با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی))، مجله پژوهش های اقتصاد ایران، سال هفتم، شماره ۲۳ تابستان، تهران.
- ۴- مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۸ و ۳۹، سال چهارم، خرداد و تیر ماه، تهران صفحه ۳ تا ۴۶.
- ۵- بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، (۱۳۶۹)، ((مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسی های اقتصاد اسلامی)) - زیر نظر استاد محمد واعظ زاده خراسانی دبیر مجمع بررسی های اقتصاد اسلامی، مشهد مقدس.
- ۶- پیکار جو، کامبیز ((مروری اجمالی بر ادبیات و حرکت بهره وری در اقتصاد))، مجله بانک اقتصاد شماره ۵، صفحه ۱۱ تا ۱۶.
- ۷- حکیمی، استاد محمد رضا، ((تعریف عدالت از زبان امام صادق علیه السلام)) مجله نمایه مطهری، شهید استاد مرتضی ((عدل الهی)) انتشارات صدرا، تهران.
- ۸- شیخی، عبدالمجید (۱۳۷۹) ((اقتصاد اسلامی)) مقاله منتشر نشده (ارائه شده به مجمع تشخیص مصلحت نظام)، تهران.
- ۹- صدر، شهید سید محمد باقر، (۱۳۶۰)، ((اقتصاد ما))، سید محمد کاظم موسوی (مترجم)، جهاد سازندگی مشهد.

۱۰- فرگوسن (۱۳۶۶)، ((نظریه اقتصاد فرد))، محمود روز بهان (مترجم)، مرکز نشر دانشگاه تهران.

۱۱- قره باغیان، مرتضی، (۱۳۷۶)، ((فرهنگ اقتصاد و بازرگانی)) موسسه فرهنگی رسا، تهران.

۱۲- منتظر ظهور، محمود (۱۳۵۹)، ((اقتصاد))، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۶، چاپ ششم تهران.

۱۳- منکیو، گریگوری (۱۳۷۴)، ((اقتصاد کلان))، حمیدرضا برادران شرکاء و علی پارسائیان (مترجم)، دانشکده علامه طباطبائی، شماره ۹۱، تهران.

۱۴- نیلی، فرهاد (۱۳۷۸)، ((رشد اقتصادی و توزیع در آمد: چهار دهه پس از کوزنش وکالدرو))،

Barro, Robbert, J.& Xavier sala-i-Martin, (۱۹۹۵), " Economic Growth", Mc grawhill inc. , chapter ۱.